

آموزش کارآفرینی در کشاورزی

دکتر بهارک عزیزی



۱۳۹۲

سرشناسه	: عزیزى، بهارک، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور	: آموزش کارآفرینی در کشاورزی / بهارک عزیزى.
مشخصات نشر	: تهران: سپهر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۷ص: جدول، نمودار.
شابک	: ۱۵۰۰۰۰ ریال 9-14-6200-600-978 :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۰۷.
موضوع	: کشاورزی
موضوع	: کارآفرینی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۸۱۴/۴۹۳۵
رده بندی دیویی	: ۶۳/۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۶۷۱۷۱



تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - بک ۱۴۱ - پاساژ فروزنده
 فروشگاه: طبقه زیر همکف - واحد ۲۳۳ - تلفن: ۶۶۴۸۷۶۱۹-۵-۶۶۴۰۱۶۰۲-۶۶۹۶۹۵۰۲
 دفتر انتشارات و مرکز پخش: طبقه سوم اداری - واحد ۷۰۶ - تلفن: ۶۶۹۷۶۱۳۳-۶۶۹۷۶۱۳۴ - فاکس: ۶۶۹۷۶۱۳۴

آموزش کارآفرینی در کشاورزی

دکتر بهارک عزیزى

(Ph.D) ترویج و آموزش کشاورزی

چاپ اول ۱۳۹۲ - شمارگان ۲۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: نگارش

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است

قیمت ۱۵۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-6200-14-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۰۰-۱۴-۹

www.sepehr-pub.ir

سیاسگزاری

با حمد و سپاس بیکران به درگاه ایزد متعال که به این بنده حقیر نصبت و فرصت دانش آموزی را عطاء نمود. اکنون که نگارش این کتاب به پایان رسیده به رسم وظیفه شناسی و قدردانی، بر خود واجب می‌دانم از زحمات اساتید ارجمند و بزرگوارم جناب آقای دکتر سید جمال فرج الله حسینی که صبورانه مرا جهت به پایان رساندن این پژوهش راهنمایی نمودند و بدون بهرهمندی از داتش ایشان انجام این امر میسر نبود، سپاسگزاری کرده و از جناب آقای دکتر سید محمود حسینی و جناب آقای دکتر سید مهدی میردامادی که مشتاقانه بنده را مشاوره نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم و از خداوند متعال سلامتی و موفقیت روز افزون آنان را خواستارم.

امید آن دارم ثمرات این تلاش در خور جبران زحمات مشفقانه یکایک اعضای خانواده ام باشد.

فهرست مطالب

فصل اول	۱
مقدمه	۲
آموزش	۳
انواع آموزش	۶
رویکرد نظام‌مند در آموزش	۷
آموزشی کشاورزی	۹
فصل دوم	۱۵
کارآفرینی و مفهوم آن	۱۶
توسعه تاریخی مفهوم کارآفرینی	۱۹
کارآفرین بودن	۲۰
کارآفرینی در بخش کشاورزی	۲۱
اثرات کارآفرینی در توسعه کشاورزی	۲۲
فصل سوم	۲۵
آموزش کارآفرینی	۲۶
توسعه آموزش کارآفرینی	۲۸
اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی	۲۹
امکان‌پذیری آموزش کارآفرینی	۳۰
مؤلفه‌های نظام آموزش کارآفرینی	۳۵

۳۶		مبانی آموزش کارآفرینی
۳۶		فلسفه آموزش کارآفرینی
۳۷		اصول اساسی آموزش کارآفرینی
۳۸		فرایند آموزش کارآفرینی
۳۸		مرحله شکل‌گیری تفکر
۳۹		مرحله تدوین برنامه فعالیت کاری
۴۱		تجارب سایر کشورها در آموزش کارآفرینی
۴۲		آلمان
۴۴		ایتالیا
۴۶		اتریش
۴۸		استرالیا
۵۰		مالزی
۵۲		تایلند
۵۸		آموزش کارآفرینی در بخش کشاورزی
۶۱		اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی
۶۵		سازماندهی آموزش کارآفرینی
۶۶		محتوی و برنامه‌های آموزش کارآفرینی در کشاورزی
۷۱		روش‌ها و مواد آموزشی در آموزش کارآفرینی کشاورزی
۷۵		فراگیران آموزش کارآفرینی

۷۸	مدرسین آموزش کارآفرینی.....
۸۱	ارزشیابی و بازخورد دوره‌های آموزش کارآفرینی.....
۸۵	موانع، محدودیت‌ها و عوامل تأثیرگذار در آموزش کارآفرینی در کشاورزی.....
۹۱	فصل چهارم.....
۹۲	نظام آموزشی هماهنگ با کارآفرینی.....
۹۲	کارآفرینی در آموزش عالی ایران.....
۹۴	طرح کاراد.....
۹۵	اهداف طرح کاراد:.....
۹۶	برنامه‌ها و راهبردهای طرح کاراد:.....
۹۷	آموزش کارآفرینی و اشتغال.....
۱۰۰	نقش کارآفرینی در اشتغال دانش‌آموختگان بخش کشاورزی.....
۱۰۷	فهرست منابع.....

مقدمه

امروزه بیکاری در بسیاری از کشورهای جهان حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی به عنوان یک مشکل اساسی مطرح است. حل این مشکل، سیاستگذاران غالب کشورها را با چالش‌های بزرگی رو به رو کرده، به گونه ای که می توان گفت ثبات و زوال برخی از دولت‌ها در گرو حل بحران بیکاری است. این مسأله در کشور ما نیز شرایط حادتری به خود گرفته به گونه ای که نرخ رسمی بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

بحران بیکاری به عنوان یک معضل تمامی جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را به شدت متأثر می کند و ذاهای اثرات غیرقابل جبرانی بر جای می گذارد. تجربه ثابت کرده است که این بحران‌ها و پیامدهای اجتماعی، نه راه‌حل‌های فوری، ایدئولوژیک و اخلاقی دارد و نه محو همه جانبه، یکپارچه و کوتاه مدت آن امکان‌پذیر است. بسیاری از کشورها از جمله راه‌حل‌های برون رفت از این بحران را «کارآفرینی» می دانند و به آن توجه فوق العاده ای می کنند (رضازاده و همکاران، ۱۳۸۱).

برای عبور از این مشکلات می توان به توسعه زیربنایی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به ویژه آموزش‌های علمی - کاربردی کشاورزی اشاره داشت و آن را به عنوان مکمل آموزش‌های دانشگاهی و با محوریت و همکاری نزدیک دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها در امور برنامه‌ریزی و اجرا مورد نظر قرار داد.

آموزش‌های دانشگاهی نظریه‌های علمی را می‌پروراند و توسعه می‌دهد، اما آموزش‌های علمی - کاربردی برای به عمل درآوردن نظریه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع این دو جریان آموزشی موازی و مکمل یکدیگر هستند

(UNESCO, 1998). آموزش‌های علمی- کاربردی با هدف تامین و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر مورد نیاز اقتصاد کشور، خصوصاً در بخش کشاورزی طراحی شده است که با افزایش واحدهای دروس عملی، در جهت ارتباط بیشتر با دستگاه‌های اجرایی و کشاورزان، ایجاد روحیه خوداشتغالی و کارآفرینی را برای آماده نمودن دانشجویان در مشاغل خود اشتغالی و آزاد مورد تأکید قرار می‌دهد، این هدف در راستای افزایش بهره‌وری منابع انسانی در بخش کشاورزی کشور بسیار کارآمد می‌تواند عمل کند.

آموزش

پی‌تر دید انسان‌ها، منابع انسانی و اقتصادی هستند و تربیت نیروی انسانی متخصص از پایه‌های اصلی توسعه هر جامعه است. چنانچه کوان تسو فیلسوف چینی قرن دوم قبل از میلاد گفته است: "اگر برای یک سال نقشه می‌کشید به کشت گندم پردازید، اگر برای یک دهه برنامه می‌ریزید به دنبال کشت درخت باشید، و اگر برای یک عمر می‌اندیشید در پی تعلیم و تربیت مردمان برآید" (فیوضات، ۱۳۸۲).

معمولاً با شنیدن واژه آموزش اولین تصویری که در ذهن انسان نقش می‌بندد، تصویر مدرسه است، ولی با کمی کوشش و دقت می‌توان دریافت که آموزش قبل از تاسیس اولین مدارس در جامعه بشری وجود داشته است. حتی در میان جوامع اولیه آموزش نیز انجام می‌پذیرفته است. آموزش به طور کلی ایجاد تغییر در رفتار فرد است. به بیان دیگر آموزش فرایندی از یادگیری است که طی آن مجموعه‌ای از دانش‌های مرتبط و منظم همراه با عادات و مهارت‌های حاصل از آن انتقال می‌یابد. می‌توان گفت که

آموزش جریان‌ی منظم و مستمر است که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی، یا به طور کلی رشد شخصیت افراد در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه می‌باشد. یا به عبارتی همان طور که دیویی گفته است، آموزش شکوفا ساختن استعدادهای همه جانبه افراد یا رشد همه جانبه شخصیت آنان است. بنابراین، آموزش را می‌توان وسیله کسب دانش، مهارت و آگاهی و یا ابزار ایجاد تغییرات مثبت و مفید رفتاری و ذهنی در انسان دانست (موحد محمدی، ۱۳۸۲).

تعاریف متعددی از آموزش وجود دارد، به طوری که به هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای که هدف آن ایجاد یادگیری در فراگیران باشد آموزش گفته می‌شود. به عبارت دیگر، آموزش فرایندی است که طی آن در دانش، بینش و مهارت افراد تغییر ایجاد می‌شود، یا آموزش مجموعه تصمیمات و اقداماتی است که یکی پس از دیگری اتخاذ می‌شوند که منظور آنها دستیابی هر چه بهتر فراگیران به اهداف آموزشی است (احمدیان، ۱۳۷۹).

آموزش فعالیتی جامع است، بنابراین بیشتر آنچه که ما از آموزش می‌دانیم بعد نظری آن از تجربه آموزشگران می‌باشد. این امر بیش از همه در وظائف اصلی آنان همچون ایجاد یک محیط خوب فراگیری، رهبری و هدایت احساس و انگیزه موفقیت، اصلاح و بهبود مهارت‌ها و استفاده موثر از مواد کمک آموزشی نمود پیدا می‌کند. آموزش همانند دیگر اشکال انتقال اطلاعات، یک فرایند ارتباطی است. معمولاً آموزشگر پیام‌های شفاهی خود را ارسال می‌دارد که این پیام‌ها شامل بعضی اطلاعات برای فراگیرانی است که منتظر دریافت آن هستند تا بر معلومات موجود خود اضافه کنند. در واقع این عمل یک فرایند ساده نیست. ابتدا، آموزشگران باید افکار خود را به صورت

کلمات و یا دیگر اشکال ارتباطی کد گذاری نمایند تا فراگیران پیام را به صورتی که بتوانند از آن معنا و مفهومی برداشت کنند، کد برداری نمایند (میردامادی، ۱۳۸۲).

به عبارت دیگر آموزش، فراگیری نظام مند و منظم دانش، مهارت ها و توانایی ها است که به بهبود عملکرد در جریان کارهای جاری منجر می شود. یا اینکه آموزش، فرایندی است که منجر به تغییر رفتار می شود (Watkinson, 2000).

آموزش در اکثر جوامع دارای دو نقش اساسی است: ۱) کمک به انتقال دانش از یک نسل به نسل دیگر، ۲) دادن مهارت هایی به افراد که آنها را به تحلیل، تشخیص و در نتیجه پرسش (تفکر تحلیلی) قادر سازد بنابراین، آموزش یک تغییر است، یک تغییر همه جانبه، مداوم و هدفدار که هدفش مجهز ساختن مردم با مهارت های لازم برای زندگی سالم و رضایت بخش است (موجد محمدی، ۱۳۸۲).

سرمایه گذاری برای ایجاد و تولید توان اکتسابی افراد بسیار پر بازده و سودآور است. زیرا انسان در فرایند تولید نقش اساسی دارد که به دو صورت تجلی می شود: اول نقش انسان به عنوان نیروی کار جهت تغییر شکل منابع طبیعی و انجام فعالیت های مختلف اقتصادی و اجتماعی؛ دوم نقش انسان در صحنه های تولید در شکل مدیریت و تلفیق صحیح عوامل تولید که در نهایت موجب افزایش تولید می شود. از این جهت چنانچه در بحث مربوط به توسعه هم بیان شد انسان یگانه هنر پیشه صحنه های تولید است و وقتی می تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند که توانایی های لازم را کسب کرده باشد، یعنی قدرت و مهارت انجام کار و توان مدیریتی خود را افزایش داده باشد. این کار به وسیله آموزش انجام می شود، لذا آموزش در توسعه به طور اعم و در توسعه کشاورزی به طور اخص تاثیر انکارناپذیری دارد (زمانی پور، ۱۳۸۰).

انواع آموزش

در منابع مختلف تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از انواع آموزش صورت گرفته است که در اینجا به یکی از رایج‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها اشاره می‌شود.

الف) آموزش غیررسمی

آموزش‌های نظام‌مند که معمولاً خارج از مدرسه انجام می‌گیرد. با هدف بالاترین یادگیری، محتوای آن با نیازهای مخاطبان باید سازگار باشد (Kinger, 1993). اساساً هر نوع برنامه آموزشی سازمان‌یافته خارج از مدرسه که به تعلیم مهارت‌ها و کارآموزی افراد اختصاص یافته یا آموزش غیررسمی گویند. مانند آموزش بزرگسالان، برنامه‌های آموزش ضمن خدمت و خدمات ترویج کشاورزی، همگی آموزش غیررسمی نامیده می‌شوند (موحدمحمدی، ۱۳۸۲).

ب) آموزش آزاد

آموزش آزاد عبارت است از تجاربی که هر روز بدست می‌آید، بدون آنکه از قبل برنامه‌ریزی شده باشد. در این آموزش‌ها یادگیری به صورت تصادفی اتفاق می‌افتد (حجازی، ۱۳۸۵).

آموزش‌های آزاد به کلیه فعالیت‌های آموزشی گفته می‌شود که به منظور انتقال دانش و تکنولوژی برای عموم مردم انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، فرایند روز به روز یادگیری و مادام‌العمری که به موجب آن هر فرد دانش، مهارت، نگرش و بی‌تشی را از طریق تجارب روزانه و برخورد با محیط کسب می‌کند و می‌آموزد را آموزش آزاد می‌نامند. استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون و فیلم، از روش‌های آموزش آزاد محسوب می‌شوند (موحدمحمدی، ۱۳۸۲).

ج) آموزش رسمی

آموزش رسمی یا آموزش و پرورش، شامل ساختار سلسله مراتبی و درجه بندی آموزش، از دبستان تا دانشگاه و گونه هایی از برنامه های خاص و مؤسسات تمام وقت آموزش فنی و حرفه ای است (حجازی، ۱۳۸۵).

این نوع آموزش معمولاً در محیط کنترل شده مثل کلاس درس انجام می گیرد و دارای سطوح و مقاطع زمانی مشخصی است که از دوره ابتدایی تا دانشگاهی را در بر می گیرد. از خصوصیات این نوع آموزش می توان به هدفمند بودن فعالیت ها و رابطه متقابل بین آموزشگر و فراگیر اشاره نمود. مایکل تودارو در تعریف از آموزش رسمی اظهار می دارد که نظام آموزش رسمی عبارت است از نظام معتبر و سازمان یافته مدرسه ای با معلمان جوازدار، برنامه درسی استاندارد، سال های تحصیلی منظم و مدرک تحصیلی معتبر که شامل نهادهای آموزشی ابتدایی، متوسطه و عالی می باشد. به عبارت دیگر می توان آموزش رسمی را آن نوع آموزشی دانست که در نظام تحصیلی سازمان یافته در سطوح ابتدایی، متوسطه و بالاتر انجام می گیرد (موجد محمدی، ۱۳۸۲).

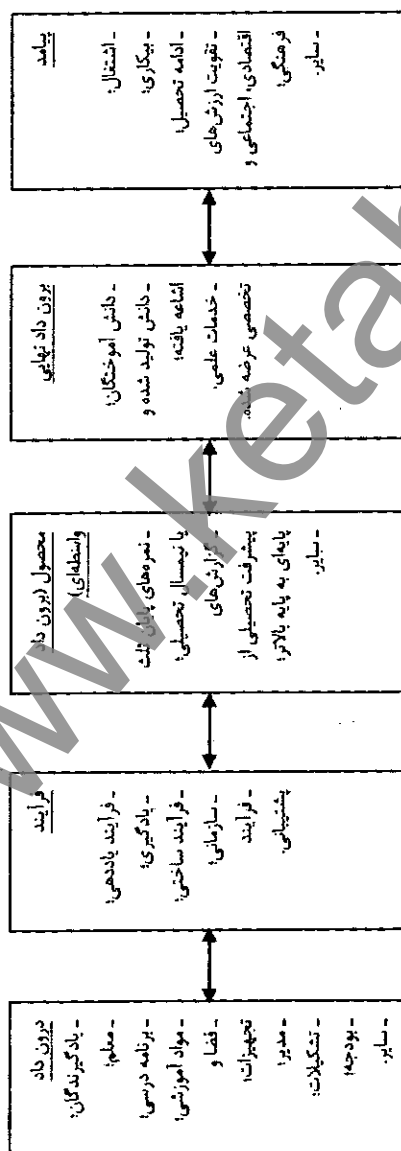
رویکرد نظام مند در آموزش

بنا به تعریف، یک سیستم (نظام) مجموعه ای از اجزاء به هم پیوسته است که برای تحقق هدف معینی استقرار می یابد. اجزاء اصلی نظام عبارتند از درون داد، فرایند و برون داد. این سه عنصر در تماس با محیط بیرونی، علی الاصول باید چنان در تعامل باشند که درون دادها پس از گذشتن از فرایند تغییر و تبدیل های مناسب، برون داد مورد انتظار را

حاصل کند (Herman & Kafman, 2000).

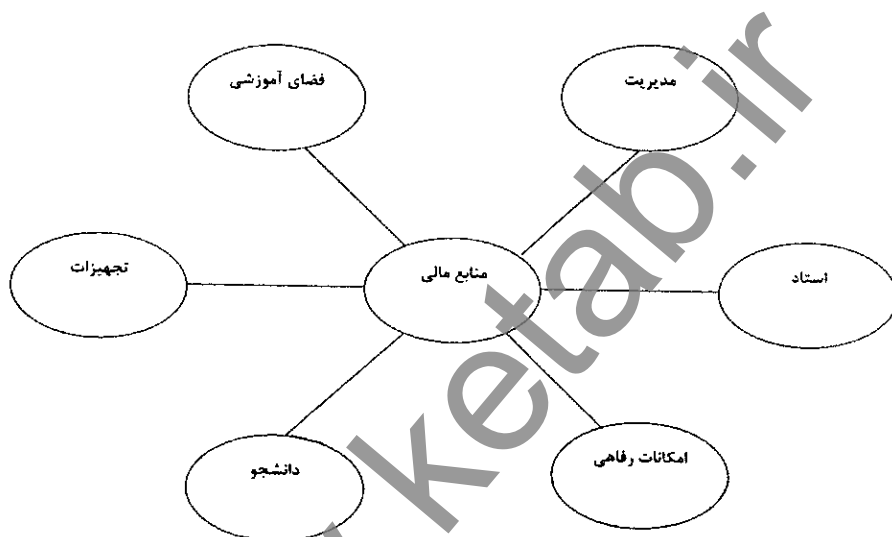
با استفاده از الگوی عناصر سازمانی، می‌توان یک نظام آموزشی را به صورت زیر نشان داد (عینی، ۱۳۸۴).

شکل (۱-۱): عناصر نظام آموزشی



در یک نظر دیگر، عناصر یک نظام دانشگاهی را می‌توان به صورت زیر نشان داد (Fong, 2002).

شکل (۱-۲): عناصر نظام دانشگاهی



منبع: Fong, 2002

آموزش کشاورزی

آموزش کشاورزی، شاخه‌ای از آموزش‌های حرفه‌ای محسوب می‌گردد و مانند تمام آموزش‌های حرفه‌ای چیزی جدا از آموزش‌های عمومی نیست. آموزش کشاورزی برای تربیت کشاورزان فعلی و آینده به منظور مهارت یافتن در فعالیت‌های کشاورزی است (Cracken, 2004).

آموزش کشاورزی به منظور تطبیق دادن و آشنا ساختن فرد با فعالیت‌های حرفه‌ای کشاورزی و نیز محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند. این آموزش باید مکمل برنامه‌های آموزشی موجود باشد و انعطاف لازم را جهت انطباق با نیازهای محلی داشته باشد. آموزش کشاورزی اساساً به صورت عملی اجرا می‌شود، به اشکال مختلف و متنوع و در مقاطع مختلف تحصیلی، اعم از قبل از دبستان، دوره ابتدایی، دوره راهنمایی، دوره متوسطه، مراکز فوق دیپلم و دوره‌های عالی دانشگاهی. به هر حال، مراکز آموزش کشاورزی می‌توانند نقش مهمی در تعمیم پیشرفت و ترقی کشاورزی داشته باشند. هدف این مراکز باید تعلیم و تربیت هرچه بیشتر کشاورز برای آینده و در کوتاه‌ترین مدت ممکن باشد و برنامه‌های آموزشی آن‌ها بر مبنای مشاهده واقعیت‌های عینی و کسب تجارب علمی در امور تولید، طرح‌ریزی گردد. طول دوره آموزش نیز باید متناسب با طول فصل زراعی باشد و تا جایی که امکان دارد کار در خانه و مدرسه به طریق مناسبی توزیع و تقسیم گردد. نقش اصلی مراکز آموزش کشاورزی تربیت مردان و زنان جوانی است که توانایی کارکردن در این عرصه را داشته باشند. برای رسیدن به این هدف به فراگیران باید برنامه متعادلی از لحاظ علمی و نظری داده شود. به طوری که هر یک از این دو جنبه بتواند تکمیل کننده دیگری باشد. ارتباط آموزش با مشاغل که فراگیران پس از اتمام آموزش انجام خواهند داد، موضوعی حایز اهمیت است. آموزش کشاورزی یک جنبه استثنایی نسبت به سایر آموزش‌ها دارد و آن این است که کشاورزی را نمی‌توان صرفاً از طریق کلاس درس آموخت. آموزش رسمی در کلاس باید همراه با تعلیمات عملی صورت گیرد تا درک بسیاری از جنبه‌های تولید کشاورزی در شرایط واقعی صورت پذیرد، یعنی آموزش رسمی کلاسی فقط با

آموزش‌های عملی کامل می‌شود. این موضوع به ویژه در مورد آموزش کشاورزی که به میزان زیادی با جنبه‌های کاربردی و عملی مواجه است، مصداق دارد. در آموزش کشاورزی، چهار گروه متمایز از هم کاملاً مشخص وجود دارد که می‌توانند از آموزش حرفه‌ای در کشاورزی به صورت مختلف، استفاده نمایند. این گروه‌ها عبارتند از:

۱- جوانان دبیرستانی آماده برای فعالیت‌های کشاورزی که در رشته کشاورزی به ادامه تحصیل مشغول هستند.

۲- جوانان خارج از مدرسه که با کشاورزی سر و کار دارند و معمولاً در مزارع شخصی و یا به عنوان کارگران کشاورزی در واحدهای تولیدی به طور تمام وقت مشغول کار هستند.

۳- کشاورزان بزرگسالی که گرداننده و یا کارگر مزارع و واحدهای تولیدی هستند.

۴- زنان و دختران روستایی، همسران کشاورزان و مالکان واحدهای تولیدی.

با ارتقاء تکنیک‌های کشاورزی، افراد به آموزش حرفه‌ای کشاورزی نیازمند شده و روز به روز توجه و علاقه بیشتری پیدا می‌نمایند. این شرایط ایجاد می‌کند که این آموزش‌ها، الزاماً از کیفیت بالایی برخوردار باشد. بنابراین یک برنامه جامع آموزش کشاورزی این است که مباحث کشاورزی به شکل‌های مختلف برای تمامی آحاد مردم در هر رده سنی، شغلی، اجتماعی و جنسیتی از طریق آموزش‌های رسمی، غیررسمی و آزاد به منظور افزایش آگاهی و دانش علمی و عملی آنان در فرصت‌های مختلف برنامه‌ریزی و اجرا گردد، تا همه مردم به کشاورزی و کارکردهای مختلف آن متناسب با موقعیت و وضعیت خود شناخت لازم را کسب نمایند و موجبات ارتقاء و بهبود

کشاورزی را در جامعه فراهم آورند. برنامه‌های آموزشی کشاورزی را علاوه بر نوع حرفه‌ای آن، می‌توان به اشکال مختلف دیگری در نظام آموزشی اجراء نمود که به برخی از موارد آن در زیر اشاره شده است:

- (الف) آشنا نمودن کودکان و نوجوانان با حرفه و کار کشاورزی؛
- (ب) آموزش افراد علاقه‌مند به انجام فعالیت‌های کشاورزی به عنوان یک شغل جنبی یا شغل دوم؛
- (پ) آموزش کشاورزی به عنوان یک فعالیت کاربردی، هنری و عملی؛
- (ت) آموزش کشاورزی به شهروندان و مصرف‌کنندگان؛
- (ث) آموزش کشاورزی برای تولیدکنندگان محصولات کشاورزی؛
- (ج) آموزش کشاورزی برای افرادی که به مشاغل خارج از مزرعه اشتغال دارند؛
- (چ) آموزش کشاورزی برای افراد علاقه‌مند به تحصیل در رشته کشاورزی (موحد محمدی، ۱۳۸۲).

به هر حال، آموزش کشاورزی مانند هر آموزش دیگری، دارای اهداف و اصول خاص خود می‌باشد و تعیین مسیر، برنامه‌ریزی، ایجاد تغییر و ... باید جنبی بر اصول و اهداف باشد و این اهداف و اصول باید از قبل به روشنی مشخص و برنامه‌ریزی شده باشند. هدف آموزش کشاورزی تربیت افرادی فرهیخته، دانشمند، متخصص و دلسوز می‌باشد که بتوانند:

- ۱- از اتلاف منابع جلوگیری کنند [مدیریت بهره‌وری]؛
- ۲- کالای با کیفیت‌تری تولید کنند [مدیریت کیفیت]؛
- ۳- با سرعت بیشتری تولید کنند [مدیریت زمان]؛

- ۴- از اتلاف وقت جلوگیری کنند [مدیریت زمان]؛
 - ۵- برخورد بهتر و صحیح‌تری با موانع و محدودیت‌ها داشته باشند [مدیریت راهبردی]؛
 - ۶- به دنبال کشف و بهره‌برداری از منابع جدید باشند [اخلاقیت و نوآوری]؛
 - ۷- دارای قوه پیش‌بینی بوده و بیشتر سرمایه‌گذاری کنند [آینده‌نگری و برنامه‌ریزی]؛
 - ۸- بهره‌برداری صحیح را فرا گرفته باشند [مدیریت بهره‌وری]؛
- و از این طریق بتوانند نقشش عمده‌ای را در توسعه کشاورزی ایفا کنند (Whitaker, 2006).
- در کنار این اهداف عمومی، یک سری اهداف اختصاصی برای آموزش کشاورزی نیز وجود دارد. این اهداف بیشتر در جهت فعالیت‌های کشاورزی بوده و افراد را برای کار کشاورزی و فعالیت‌های وابسته آماده می‌کند (موحّد محمدی، ۱۳۸۲):
- ۱- آماده ساختن فرد برای کار و حرفه کشاورزی؛
 - ۲- افزایش کارایی و راندمان تولید؛
 - ۳- آشنا نمودن فرد با مسایل بازاریابی محصولات تولیدی؛
 - ۴- حفاظت از خاک و منابع طبیعی؛
 - ۵- مدیریت موثر و فعال مزرعه و فعالیت‌های کشاورزی؛
 - ۶- حفاظت از محیط زیست و فراهم نمودن محیط زیستی مطلوب؛
 - ۷- مشارکت در فعالیت‌های رهبری روستایی؛